

منهای فوتبال

معروف در آمریکا منتظر خبر چینی‌ها



سوپرلیگ والیبال چین که قرار بود در پاییز ۹۸ آغاز شود، با تصمیم فدراسیون والیبال این کشور به دلیل برگزاری مسابقات انتخابی المپیک در چین، به بهمن موکول شد. در تاریخ جدید هم که شیوع ویروس کرونا در چین باعث شد استارت سوپرلیگ چین بار دیگر به تعویق بیفتد. سعید معروف که از تابستان سال گذشته قرار دادش را با تیم بایک موتور چین امضا کرد و در دو مقطع در تمرینات این تیم هم حاضر شد، همچنان به دلیل قراردادی که امضا کرده، منتظر اعلام وضعیت سوپرلیگ چین است. کاپیتان تیم ملی والیبال ایران که این روزها در آمریکا به سر می‌برد، منتظر اعلام باشگاه چینی است تا به این کشور سفر کند. به نظر می‌رسد کاهش چشمگیر تعداد مبتلایان به ویروس کرونا در چین باعث شده تا مسئولان فدراسیون والیبال این کشور به فکر شروع مسابقات با تأخیری طولانی مدت بیفتند.

حدادی در انتظار آغاز CBA

لیگ بسکتبال چین نخستین لیگ ورزشی در دنیا بود که به خاطر شیوع ویروس کرونا از بهمن با تعطیلی روبه‌رو شد و هنوز هم زمان جدید برگزاری ادامه مسابقات مشخص نیست. یائو مینگ، ستاره سابق تیم هیوستون راکتز و رئیس فعلی فدراسیون بسکتبال چین سه‌گزینه‌برای آرزوگیری رقابت‌ها ارائه کرده است. گزینه اول برگزاری کامل لیگ و گزینه دوم انجام مسابقات با تعداد بازی محدود و پیش‌نهاد بعدی پایان دور مقدماتی و برگزاری مستقیم مرحله پلی آف است. با توجه به شرایط، لیگ بسکتبال چین زودتر از تابستان برگزار خواهد شد. حامد حدادی هم که در عضویت تیم نانجینگ است، در حال حاضر در کشور چین به سر می‌برد.

اصرار دیور روی انتخابی

محمدابراهیم امامی سخنگوی فدراسیون کشتی با اشاره به بحث چرخه انتخابی گفت: «فدراسیون کشتی مجدانه به دنبال تحقق اجرای چرخه انتخابی تیم‌های ملی است. متأسفانه کشتی‌کشور از خلاء داشتن یک فرآیند و چرخه عادلانه و قانونمند به جهت انتخاب کشتی‌گیران ملی پوش برای رقابت‌های جهانی و المپیک محروم بود و نیاز مبرم به چرخه انتخابی تیم‌های ملی کاملاً مشهود است.» وی درباره مخالفت‌هایی که در قبال این طرح وجود دارد، ادامه داد: «البته با علم به اینکه همواره در تغییرات مقاومت‌هایی وجود دارد، ابتدا جانداختن این چرخه سختی‌های خاص خودش را دربر خواهد داشت اما در نهایت کشتی‌کشور از انجام آن سود خواهد برد. هم‌اکنون مراحل پایانی تدوین چرخه انتخابی با جدیت در دستور کار قرار دارد و همانطور که شاهدان بودیم فدراسیون کشتی برای بررسی بیشتر این طرح با استفاده از نظرات کشتی‌مندان جهان و المپیک، میزبان آقایان عباس جدیدی و علیرضا ضایع بود. قطعاً فدراسیون کشتی به دنبال اجرای چرخه انتخابی تیم‌های ملی است و این طرح به زودی نهایی خواهد شد اما در این فرصت، فدراسیون مجدداً از نظرات کارشناسان اهل فن در کشتی‌آزاد و فرنگی‌برای هر چه بهتر شدن آن نهایت استفاده خواهد برد.»

کره خواهان غفور

به لطف ویروس کرونا و مشکل اقتصادی که برای لیگ‌های اروپایی به وجود آمده، تیم‌های اروپایی دیگر قادر به پرداخت مبلغ هنگفت به بازیکنان خود نیستند. از این رو مسئولان لیگ والیبال هفت تیمی که در نظر دارند بر خلاف سال قبل که بازیکنان خارجی خوبی در این لیگ نبودند، این فصل ستاره‌هایی مثل فروم آلمانی، گاسپارینی اسلوانیایی، روسارد فرانسوی، کونارسکی لهستانی و حتی امیر غفور ایرانی لیگ خود جذب کنند. طبق گزارش رسانه‌های کره‌ای فقط بازیکنان قدرتی و پشت‌خطرن که قادر به سرویس پرشی هستند می‌توانند در این لیگ حضور یابند و تیم مجاز به حضور یک بازیکن خارجی است. پارک کی‌وون سرمربی سابق ایران نیز در یکی از تیم‌های لیگ کره حضور دارد. علاوه بر پیشنهادی که از سوی باشگاه‌های کره‌ای به امیر غفور رسیده، امیرحسین اسفندیار، در یافت‌کننده جوان ایرانی هم چند روز قبل از دریافت یک پیشنهاد چشمگیر از لیگ کره خبر داده بود.

مدیرعامل‌های لیگ برتری و حقوق نجومی

خدمت با آپشن میلیاردی

در خواست حقوق ۱۳ و نیم میلیونی مدیرعامل جدید باشگاه استقلال، سروصدای زیادی در رسانه‌ها به پا کرد؛ اما ماجرا زمانی جالب‌تر شد که همه فهمیدند حقوق مدیرعامل قبلی ۲۵ میلیون تومان بوده است! افتتاحی با حقوق ۲۵ میلیون تومانی، استقلال را در میان انبوهی از ناکامی و ضررهای مالی بزرگ قرار داد. با شنیدن این عدد و رقم‌ها، بیشتر از همیشه معلوم می‌شود که چرا خیلی از مدیران، چنین شور و اشتیاقی برای «خدمت» به هواداران این تیم‌های مختلف دارند!



داشته که چنین ادعایی را به زبان آورده است. اگر این رقم صحت داشته باشد، فتحی در طول یک سال رقمی نزدیک به ۳۰۰ میلیون تومان از استقلال گرفته است. ماجرا فقط به همین جا محدود نمی‌شود و این مدیر، از مزایای قابل توجهی نیز در استقلال برخوردار شده است. این باشگاه که همواره در محاصره بدهکاری‌های سنگین و نجومی بوده، علاوه بر پرداخت حقوق مدیران، اجاره خانه آنها را نیز پرداخت کرده است؛ در تمام دنیا، نمی‌توانید یک باشگاه فوتبال دیگر پیدا کنید که حتی پرداخت اجاره

آریار هنورد

در فوتبالی که رقم دقیق قرار داد و دستمزد بازیکن‌هایش هرگز فاش نمی‌شود، طبیعی به نظر می‌رسد که میزان دریافتی مدیرعامل‌ها نیز به جای رسانه‌ها، در گپ و گفت‌های افشاگرانه یک مدیر دیگر فاش شود. اخیراً مشخص شده که امیرحسین فتحی در دوران حضور در استقلال، ماهانه ۲۵ میلیون تومان حقوق دریافت کرده است. البته فتحی این ادعا را نپذیرفته اما سعادت‌مند حتماً دلایل محکمی

خانه مدیرانش را نیز بر عهده می‌گیرد. مگر آن‌که آن باشگاه نیز متعلق به فوتبال ایران باشد. علی‌حقی که حالا داستان اجاره خانه‌اش بر سر زبان‌ها افتاده، بارها روبه‌روی دوربین‌های مختلف اصرار داشت که تنها به عشق خدمت به هواداران، در ایران مانده و همه زندگی‌اش در سوئیس است. همین‌مدیر اما هنوز هم در اطراف باشگاه استقلال دیده می‌شود و هر زمزمه‌ای در مورد این باشگاه، واکنش سریع او را به دنبال دارد. او حتی در انتخابات فدراسیون فوتبال نیز به عنوان نایب‌رئیس ثبت‌نام

کرده بود تا مشخص شود هدفش از بودن در فوتبال، تنها خدمت‌رسانی به استقلال‌هایست! روبه‌رو شدن با چنین عده‌هایی، به وضوح نشان می‌دهد که چرا خیلی‌ها برای حضور در کادرمند و مدیریت استقلال و پرسپولیس، سر و دست می‌شکنند. این حضور ظاهراً امتیازهای فوق‌العاده‌ای به همراه دارد. به محض انتخاب یک چهره به عنوان مدیرعامل استقلال یا پرسپولیس، آن چهره به شهرت قابل توجهی دست‌پیدای می‌کند. شهرت‌اولین مزیت قرار گرفتن در این جایگاه است.

طبیعتاً این شهرت، با خودش اعتبار نیز می‌آورد. وقتی شما مدیرعامل چنین باشگاهی هستید، به راحتی می‌توانید فعالیت‌های اقتصادی مجزایی نیز انجام بدهید و وام‌های سنگین بانکی را نیز به راحتی دریافت کنید. در کنار همه این مزایای قابل توجه، شما این شانس را دارید که یک حقوق فوق‌العاده نیز به دست بیاورید و حتی ممکن است جماعتی روی سکو‌ها، نام‌تان را فریاد بزنند. در نقطه مقابل اما آن چه شما به باشگاه ارائه می‌کنید، عملاً در اندازه صفر است. فتحی در تمام دوران حضور در استقلال، هیچ آورده خاصی برای تیم نداشت و تنها به میزان مشکلات آبی‌ها افزود. اخراج شفر و کناره‌گیری استراما، در دوران همین مدیر اتفاق افتاد. مدیری که هرگز نتوانست آرامش را در تیمش برقرار کند. بنا این وجود هرگز برای حقوق سنگین او در باشگاه، مشکلی به وجود نیامد. یک بار برای همیشه، باید مشخص شود که میزان دریافتی مدیران باشگاه‌های دولتی لیگ برتری چقدر است و این حقوق نجومی، بر چه اساسی برای آنها در نظر گرفته می‌شود. عملکردی که آنها ارائه می‌دهند، کوچک‌ترین نسبتی با حقوق دریافتی‌شان ندارد. مساله مهم‌تر، نحوه انتخاب این مدیران است. یک نفر به عنوان دندانی‌شک و وزیر، می‌تواند صاحب این جایگاه شود و یک نفر دیگر تنها به خاطر سابقه دوستی در پرتو با وزیر ورزش، مدیر یک باشگاه بزرگ می‌شود. طبیعتاً تا زمانی که جنس انتخاب‌ها این‌طور باشد، مدیران پول‌های زیادی دریافت می‌کنند و کارهای بزرگی انجام نمی‌دهند.

با این روند مدیریتی در استقلال و پرسپولیس، اگر این دو باشگاه بدون مدیرعامل آداره نشوند، اوضاع‌شان به مراتب بهتر خواهد بود. مشکل

در تمام دنیا، نمی‌توانید یک باشگاه فوتبال دیگر پیدا کنید که حتی پرداخت اجاره خانه مدیرانش را نیز بر عهده می‌گیرد. مگر آن‌که آن باشگاه نیز متعلق به فوتبال ایران باشد. علی‌حقی که حالا داستان اجاره خانه‌اش بر سر زبان‌ها افتاده، بارها روبه‌روی دوربین‌های مختلف اصرار داشت که تنها به عشق خدمت به هواداران، در ایران مانده و همه زندگی‌اش در سوئیس است مهم این است که این مدیران، هرگز دلسوز تیم‌های تحت مدیریت‌شان نیستند. خودشان را در سود و زیان باشگاه نیز سهیم نمی‌دانند و هر اتفاقی که رخ بدهد، آنها تنها حقوق‌شان را دریافت می‌کنند. در نتیجه نباید انتظار داشت که چنین مدیرانی، خودشان را برای سر نوشت تیم به آب و آتش بزنند. در رفتار مدیران استقلال، نوعی بی‌تفاوتی محض دیده می‌شود. همین حالا پرسپولیس برای مدت بسیار زیادی مدیرعامل ندارد اما سه عضو هیات مدیره، همچنان بر سر یک گزینه به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌اند. در استقلال نیز هر کسی که از مدیرعامل انتقاد کند، به سرعت در مسیر برکناری قرار می‌گیرد. البته که ساز و کار درستی برای مدیریت اصولی این باشگاه‌ها فراهم نیست اما تاسف‌برانگیز است که مدیران به جای پول‌سازی برای این تیم‌ها، عملاً خودشان برای این باشگاه‌ها هزینه می‌تراشند و خرج روی دست مجموعه می‌گذارند.

در واقع به این باشگاه بدهکار هم هست. چرا که پرسپولیس به او فرصت دیده شدن داد اما در مقابل هیچ کس حتی یک نمایش در خشان از علیرضا در کیب‌فرمزها را به یاد نمی‌آورد. هنوز هم که هنوز است مهار پناالتی دایی در اولین تجربه بازی برای پرسپولیس، بهترین خاطره از حقیقی محسوب می‌شود. موضوعی که ثابت می‌کند او چیز زیادی برای عرضه کردن در باشگاه نداشته است. حتی فصل بعد که بیرو تیم را ترک کرد، پرسپولیس را دوست‌وپیچ را دارد. مردی که بر خلاف حقیقی، همیشه از باشگاهش طلبکار نیست و در مصاحبه‌ها به شکل عمدی، اسم پرسپولیس را به عنوان تیمی‌اش به کار نمی‌برد! رادو همین حال‌انیز محبوبیتی بیشتر از حقیقی بین هواداران پرسپولیس دارد.

چرا محسن قهرمانی هرگز داور بزرگی نشد؟ چرا هرگز مسابقات بزرگ خارجی را رسوت نزد؟ چرا بر خلاف فغانی به قله داور جهان نرسید؟ پاسخ این سوال ساده است. او هرگز اشتباه‌های خودش را قبول نکرد، هرگز تلاشی برای بهتر شدن انجام نداد و همواره در حال سرزنش دیگران بود. هنوز هم هست. دلیل آن که علیرضا حقیقی نیز هرگز بزرگی نشد، همین موضوع است. او به جای تلاش دائمی برای پیشرفت، هر روز به این‌و آن کنایه می‌زند. در زمین فوتبال اما مسیوها همیت دارند و کنایه‌ها تا امروز هیچ‌گلی را خوشبخت نکرده‌اند.

هواداران فوتبال را به دست نیاورد. اگر امروز داور این چنین مورد هجمه فوتبالی‌ها قرار گرفته، یکی از دلایل رفتارهای زشت و غیر حرفه‌ای همین داور بوده است. محسن قهرمانی، عصاره و چکیده این فوتبال است. فوتبال آدم‌های همیشه طلبکار. فوتبالی که در آن علیرضا حقیقی، هر روز به گلر اصلی این روزهای پرسپولیس طعمه می‌زند تا شاید از فصل آینده جای او را در ترکیب این باشگاه بگیرد. حقیقی در تازه‌ترین مصاحبه‌اش اعلام کرده بر خلاف بعضی‌ها، قبل از پیوستن به پرسپولیس، استقلالی نبوده است! کنایه مستقیم او به علیرضا می‌آید، بیشتر از هر چیزی نشان از حسادت دارد. چرا که شاید تنها یکی از سیوهای بیرو، به کل دوران حرفه‌ای علیرضا حقیقی می‌آرد. جالب اینکه او، بیرون‌اند را به خاطر ترک پرسپولیس با اولین پیش‌نهاد خوب خارجی سرزنش می‌کند اما حقیقی نیز به محض دریافت اولین پیش‌نهاد از روبین کازان، قهرمان‌ها را ترک کرد و آماده سال‌ها نیمکت‌نشینی در لیگ‌های خارجی شد. اگر در این فوتبال قرار بود هر کس به شایستگی‌های واقعی‌اش برسد، حقیقی هرگز در یک جام جهانی به میدان نمی‌رفت. گلری که فاجعه پناالتی‌های ایران و عراق را با آن همه شیرجه‌اشتهار رقم زد، چطور به خودش اجازه می‌دهد تا درباره مهارکننده ضربه پناالتی کریس رونالدو حرف بزند؟ حقیقی نه تنها از پرسپولیس طلبکار نیست، بلکه

«چاله‌میدانی» جناب محسن قهرمانی البته در این فوتبال برای هیچ کس شگفت‌انگیز نیست. او همان داور بود که همواره از زشت‌ترین لفظ‌ها در ارتباط با بازیکن‌ها استفاده می‌کرد و همان داور بود که همواره با فوتبالیست‌ها خشمگینانه روبه‌رو می‌شد و گاهی تصمیم‌های درون‌زمین را به شعاع‌های روی سکو‌ها مربوط می‌کرد. اگر مشکلات مربوط به محسن قهرمانی فقط به همین رفتار زشت و غیر حرفه‌ای محدود می‌شد، باز هم اوضاع قابل تحمل بود اما این داور درون زمین، یک فاجعه تمام‌عیار محسوب می‌شد. داور که حتی آنقدر مسئولیت‌پذیر نبود تا بخشی از کیلوه‌های اضافه بدنش را کم کند و با ظاهر ایده‌آل‌تری، مسابقات فوتبال را سوت بزند. او آشکارا از همه صحنه‌ها دور بود و سوت‌های اشتباه، بزرگ‌ترین عادتش بودند. قهرمانی همان روزها نیز، هرگز اشتباه‌های خودش را قبول نداشت و امروز نیز در حیطه‌های اظهار نظر کرده که اصلاً به یک داور بازنشسته مربوط نمی‌شود. قهرمانی نه تنها به خاطر آن اشتباه مشکوک در جریان بازی سپاهان و پرسپولیس عذرخواهی نمی‌کند، بلکه تأکید دارد که علی‌دایی، نباید خودش را بیخشد! این همه طلبکاری و نگاه حق به جانب، چطور در وجود یک نفر جمع می‌شود؟ قهرمانی نه تنها دایی و پرسپولیس، بلکه باید از جامعه داورای ایران عذرخواهی کند. او به خاطر خدش‌های که به حیثیت داورای در ایران وارد کرد، مدت‌ها نیز محروم بود و دیگر هرگز خوش‌بینی

سوژه روز

درباره عادت تکراری اهالی فوتبال در ایران

ژن طلبکار!

آرپاطاری

«طلبکار بودن» خلصت مشترک بسیاری از اهالی فوتبال ایران است. در همین دوران کرنا نیز بیشتر از همیشه مشخص شد که آنها به جای نگرانی برای جامعه و آن چه در کشور اتفاق می‌افتد، فقط نگران خودشان هستند و خودشان را طلبکار می‌دانند. پرسپولیس‌ها قهرمانی‌رامی خواهند، تیم‌های رقیب دوست دارند که لیگ بدون معرفی قهرمان به پایان برسد و این وسط چند اظهار نظر حیرت‌انگیز نیز بیشتر از همیشه توی ذوق زده است. مرور جملاتی از یک داور بازنشسته و یک بازیکن فعال، دوباره به یادمان می‌آورد که ژن طلبکاری، چطور در بسیاری از چهره‌های شناخته‌شده این فوتبال نهان‌پنهان شده است.

«وقتی مهاجم شما عرضه گل زدن ندارد، داور را سرزنش نکنید!» اگر این جمله را به یک هوادار فوتبال در اروپا نشان بدهید و بگویید که صاحب این افاضات خاص، یک «داور» بوده است، محال است آن هوادار حرف شما را بآورد کند. ادبیات

اتفاق روز

مرتس آخرین روزهایش در ناپولی را پشت سر می‌گذارد

دعوا بر سر دریس!

دوران حضور دریس مرتس در باشگاه ناپولی، دیگر به پایان راه نزدیک شده است. این بازیکن اعلام کرده که در پایان فصل، از باشگاه جدا می‌شود و پیشنهاد تمدید قرارداد ناپولی را نیز رد کرده است. دریس مشتری‌بان دست به نقد زیادی دارد که آماده خرید این بازیکن با استعداد بلژیکی هستند. سرمربی سابق و سرمربی فعلی چلسی، از همین حالا رقابت را برای جذب این بازیکن کلید زده‌اند. آنتونیو کونته علاقه زیادی به سبک بازی مرتس دارد. از آن جایی که خرید الکسیس سانچز در اینتر برای او موفقیت‌آمیز نبوده، این مربی به خرید یک وینگر دیگر فکر می‌کند و مرتس بهترین گزینه خواهد بود. از طرفی

نیست و در ۳۳ سالگی، شاید این آخرین شانس او برای پیوستن به یک تیم بزرگ‌تر باشد. خیلی‌ها باور دارند دریس تا همین‌جا هم زمان را هدر داده و باید خیلی زودتر از این‌ها ترک ناپولی را به عنوان یک گزینه جدی در نظر می‌گرفته است. اگر ادامه فصل رقابت‌های فوتبالی در ایتالیا متوقف شود، مرتس دیگر هرگز با پیراهن ناپولی دیده نخواهد شد اما اگر تصمیم به بازگشت فوتبال در ایتالیا قطعیت پیدا کند، او باید آماده نیمکت‌نشینی در تیم ناپولی باشد. چرا که گتوسو به خوبی می‌داند که نمی‌تواند از این بازیکن برای برنامه‌های درازمدت آینده استفاده کند. این وینگر ریزنقش، هنوز می‌تواند در یک باشگاه دیگر بدرخشد و افتخارات بیشتری را به جام‌های دوران فوتبالی‌اش اضافه کند. او استعداد انجام چنین کاری را دارد.



هلند پیوست. درخشش فوق‌العاده در لباس بی‌اس‌وی، پیشنهاد باشگاه ناپولی را در مسیر این بازیکن قرار داد. او حالا هفتمین فصل حضور در ناپولی را سپری می‌کند و به یکی از ستاره‌های محبوب هواداران باشگاه تبدیل شده است. به لحاظ آمار گل‌زنی، بهترین فصل او در ناپولی در سال ۲۰۱۷، رقم خورد. جایی که این بازیکن در ۴۶ بازی ۳۴ گل برای آبی‌های جنوب ایتالیا به ثمر رساند. او این فصل نیز در ۲۹ بازی ۱۲ گل زد و با استانداردهای همیشگی‌اش فاصله نسبتاً زیادی دارد. با